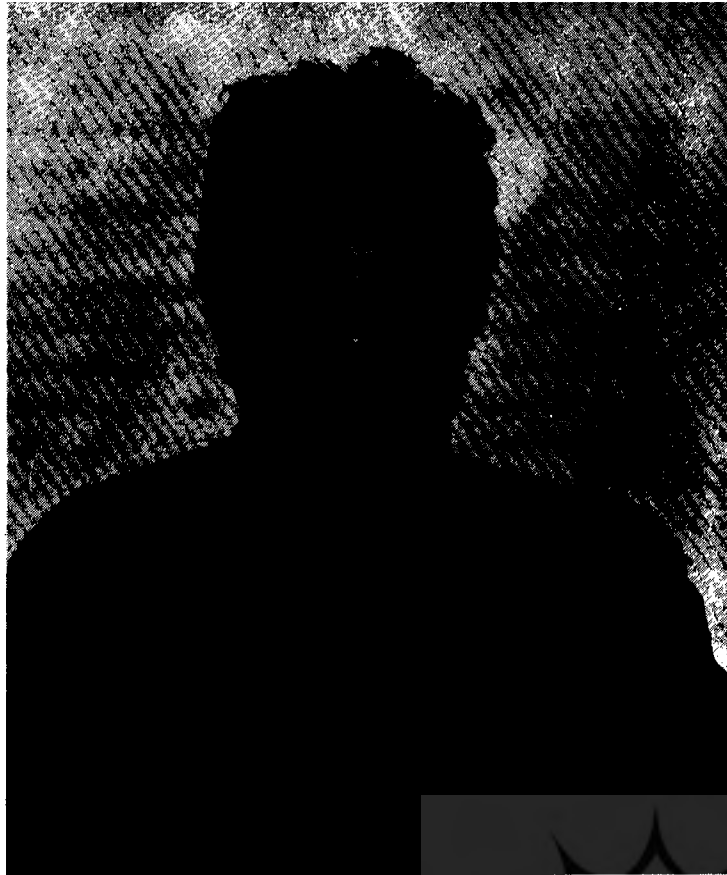


# ● بحثی دیگر در تئاتر امروز



در نشست با ایرج راد  
(بازیگر و کارگردان تئاتر)

■ محمدرضا الوند

به دنبالهٔ سلسله بحثهایی که در بخش تئاتر مجلهٔ «سوره» وعده دادیم؛ این بار به سراغ یکی دیگر از کارشناسان تئاتر رفتیم. ما در این گفت‌وگو با مصاحبه‌ها، هدفمان به بحث گذاشتن مجموعه‌ای از مفاهیم معلق و سردرگم تئاتر در ایران است. پس، بهتر آن‌که پای صحبت کارشناسان و هنرمندان این هنر بنشینیم تا با نقطه نظرهای کلی و یا جزئی و تکنیکی آنها آشنا شده و از این رهگذر، با هم به نتایج تازه و قابل توجهی برسیم. چه اگر به گفتهٔ بسیاری از همین عزیزان، مباحثی این‌گونه در مطبوعات بارها مطرح شده و باز به زعم آنان نه تنها در گذشته فایده‌ای نداشته است، بلکه اکنون نیز هیچ حاصلی نخواهد داشت، اما باید گفت وظیفهٔ نشریات فرهنگی و هنری، بازتاب نظرها و اندیشه‌هاست. پس، چه بهتر تا با این هدف، به دنبال معضلات و مسائل درگیرشدهٔ عصر خود برویم تا با طرح مجموعه‌ای متنوع از آراء و اندیشه‌ها، به یک جمع‌بندی کلی دست یافته و نیز تعداد علاقه‌مندان روزافزون این هنر را چه در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و چه در سطح به اصطلاح حرفه‌ای با واقعیت‌های

علمی و اصولی آشنا کرده و لااقل به این وسیله نه تنها به وظیفهٔ سنگین مطبوعات فرهنگی توجه داشته‌ایم، بلکه راهگشای بسیاری از نکات مبهم و کور این فراراه بسیار وسیع اما گمشده باشیم. باشد که هنرمندان و کارشناسان تئاتر با عنایت به نسل فردای تئاتر، در عرصهٔ مطبوعاتی با آنها ارتباط بیشتر و صمیمی‌تری داشته باشند.

آقای ایرج راد که اینک به عنوان بازیگر سینما و تلویزیون چهره‌ای آشناست از جمله هنرمندان (بازیگر و کارگردان) چندین سالهٔ تئاتر در ایران است. وی دوران تحصیلات عالی بازیگری کارگردانی خود را در انگلیس گذرانده و از جمله مدرسین تئاتر در دانشگاه است. با ایشان به گفت‌وگو نشستیم تا این بار از تجربه و نقطه نظرهایشان مبحثی تازه بگشاییم.

■ در ابتدا بفرمایید شما تئاتر را در حال حاضر به چه نحو تعبیر می‌کنید و نقش این پدیده را در جوامع چه می‌دانید؟

● منظور اصلی شما از این سؤال کدام است؟ چه باید باشد و یا اینکه چه هست؟  
■ اگر از اینکه چگونه باید باشد شروع کنیم، بهتر است.

## ● از زبان اکثر هنرمندانی که سالهاست کار تئاتر را کنار گذاشته و در سینما فعال هستند. شنیده‌ام، همواره عاشق این هستند که باز هم به صحنه برگردند.

● تئاتر، هنری است در ارتباط بسیار مستقیم و زنده با تماشاگر و خصلتاً، برخوردار از زمینه‌های فرهنگی فوق‌العاده غنی. به علت همین ارتباط زنده و نزدیک بسیار اثرگذار، اگر قسمت مهمی از ارزشهای انسان را توانیپها، و تخصصها و فرهنگ و دانش او بدانیم، باید در جهت دسترسی به این ارزشها حرکت کنیم. تئاتر و هنر نمایش، طبعاً از ویژگی خاصی در این زمینه برخوردار است. چرا که می‌تواند نقش مهمی در ساختن جامعه با ارزشهای والای فرهنگی، جهت شناخت و وسیعتر یا نگاه دقیقتر نسبت به زندگی، محیط و اطراف، جامعه، مسائل دنیا، انسان، دیدگاههای علمی و فرهنگی داشته باشد.

■ در این مورد کمی بیشتر به ویژگیهای تئاتر اشاره کنید.

● از مهمترین ویژگیها، همان ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با تماشاگر (مردم) است. یعنی، هیچ هنری این قدر نزدیک و نفس به نفس با مخاطب خود، عمل نمی‌کند. این هنر با این ویژگی از سطح تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بالایی برخوردار است.

■ خوب، حال بپردازید به اینکه در حال حاضر تئاتر چیست؟

● تئاتر در حال حاضر، به گونه‌ای، دچار سرگشتگی‌های خاصی است.

■ منظورتان تئاتر ایران است؟

● بله. ما هنوز اهداف و انگیزه‌های بی‌گیر و مشخصی را در حرکت تئاتری دنبال نمی‌کنیم. پس نمی‌توانیم بگوییم تئاتری این‌چنین در شکل مطلوب خود، آگاهانه عمل می‌کند. فعالیت‌های جسته و گریخته فاقد انسجام و معانی است. کارهایی در این راستا، تأثیر مطلوب زنده نخواهد گذاشت تا آنجا که گویی انجام گرفتن یا نگرفتن آن یکی است! به طور کلی، این چنین تئاتری، بازتابی در جامعه ندارد. به اعتقاد من یکی از مهمترین مسائلی که باید همراه با اجرای نمایشنامه‌های خارجی دنبال کنیم، مسئله «تئاتر ملی» خودمان است.

تئاتری که باید به دنبالش باشیم، نمایش ایرانی است با پشتوانه تاریخی، فرهنگی، ادبی و تکنیک‌های خاص فرهنگ نمایشی ایران. آن‌گاه می‌توانیم از «تئاتر ایران» صحبت کنیم. آن‌گاه می‌توانیم در خانواده بزرگ «تئاتر جهان» جایی داشته باشیم. رسیدن به چنین مرحله‌ای مسلماً برنامه‌ریزی و حمایت وسیعی را می‌طلبد. کارهایی در این زمینه انجام شده، ولی همواره مقطعی بوده و به صورت بی‌گیر عمل نشده است.

■ آیا این مسئله که ما تئاتر حرفه‌ای به معنای اصلی نداریم، دلایل آن به همین موارد ختم می‌شود؟

● باید ببینیم منظور ما از تئاتر حرفه‌ای چیست. اگر مقصود، داشتن یک گیشه تمام مدت در حال فروش است، آن یک مسئله است. یا این‌که مقصود، موظف دانستن هنرمند تئاتر برای کار دائم و پیوسته است. البته در این شکل، خودبه‌خود گیشه هم جای خودش را خواهد داشت. ضمن این‌که زندگی هنرمند باید تأمین شود، باید کار مفید و مستمر انجام دهد. در غیر این صورت، هنرمندی که در سال، شاید یک یا دو

بار، دست‌به‌اجرای کاری می‌زند، لفظ حرفه‌ای برای اطلاق نمی‌شود. او هنرمندی است در جهت کار آماتور. هنرمند حرفه‌ای، کسی است که از صبح تا شب با هنر و کارش بسربرد. یعنی، اولین کارش در صبح، نرمش انجام حرکات بدنی، صدا و کارهای کارگاهی باشد. بعد، شروع به تمرین نمایشنامه بعدی خود بکند و شب هم روی صحنه برای اجرای کار فعلی خود باشد. چنین کسی را می‌توان حرفه‌ای دانست. عدم انجام این کار دلایل و مشکلاتی دارد که باید در شناخت و رفع آنها کاری صورت گیرد.

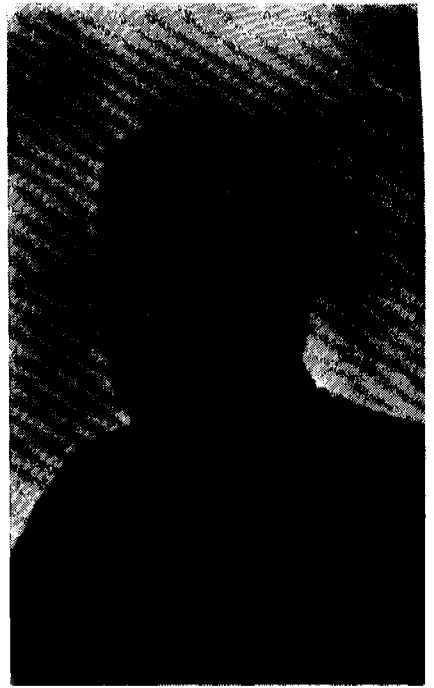
■ دلایل دیگر از جمله: ضعف بازیگری و کارگردانی در تئاتر موجود، تا چه میزان سبب ایجاد این سرگشتگی و رکود هستند؟

● کار نیکو کردن از پر کردن است اگر شما دائماً کار و تلاش و زحمت و مطالعه داشته باشید، به‌طور طبیعی کارایی بیشتری دارید. به طور مثال، یک هنرپیشه، وقتی بعد از مدتها دست به کار می‌شود، تازه بعد از دو ماه روی فرم می‌آید. در صورتی که اگر کار مستمر داشته باشد، طبیعتاً در فرم قرار دارد و هر لحظه آمادگی جسمی و ذهنی او برای کار خلاقه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

■ علل گرایش هنرمندان تئاتر به سینما را چگونه می‌بینید؟

● دلایل مختلفی دارد: عدم کار مستمر تئاتری، مسئله مادی و مالی، همچنین از طریق تئاتر، در حال حاضر کمتر هنرمندی مورد شناخت جامعه قرار می‌گیرد. به هر حال، هنرمند، دوست دارد که جامعه‌اش او را بشناسد. گرایش به طرف سینما، به شکل صحیح و با انتخاب و دقت، خیلی هم خوب و پسندیده است. ولی رها کردن تئاتر و گرایش به سینما، صرفاً به دلایل مادی، قابل قبول نیست.

اگر تئاتر به طور طبیعی، زنده، هویا و کامل عمل کند، هنرمند تئاتر نیازی ندارد به خاطر تأمین معاش، کاری را قبول کند که



## ● هنرمند حرفه‌ای کسی است که از صبح تا شب را با هنر و کارش به سر ببرد.

نیست. ولی آن چیزی که استنباط می‌کنم، جواب خواهم داد، هر بازیگری بعد از مدتی کار و تجربه با شناختی که نسبت به تواناییهای خود به دست می‌آورد، دارای يك تكنيك و سبك خاص خودش می‌شود. این، در واقع وجه تمایز يك بازیگر با بازیگر دیگر است. طبیعتاً این خصوصیت ویژه، به گونه‌ای در بازیگری سینما هم منتقل می‌شود. فکر نمی‌کنم بررسی‌هایی روی این موضوع انجام شده باشد. البته این شیوه‌های مختلف مسلماً بر روی کار آماتور، علاقه‌مندان و شاگردان این هنرمندان، اثرگذار است.

● منظور اصلی من دریافت شما از این موضوع بود. بالاخره عده‌ای از این هنرمندان، روزگاری استاد نسل فعال امروز بوده‌اند و حال ما با دیدن کارهای آنان، متوجه يك وجه مشترك، بین روش بازیگری می‌شویم. شاید این مشترکات، ناشی از تصورات تکنیک بازیگری در آن زمان بوده است که همه به نحوی از آن متأثر شده‌اند.

● طبیعی است که هر هنرمندی، متأثر از سبک‌های گذشتگان و استادان خود باشد. هر دوره، سبک خودش را داراست و به دنبال تحول و تکامل هر سبک، شیوه‌ای جدید و گاه کاملاً متفاوت، به وجود می‌آید. هر کدام از هنرمندان ما هم آنچه را که از استادان خود و طی سالها کسب کرده‌اند، به همراه دارند.

و اگر مشترکاتی در شیوه بازیگری پیش‌کسوتان وجود دارد، طبیعتاً کسب شده از استادان و سبک و شیوه آن زمان بوده است.

■ فکر می‌کنید اگر صحنه‌های تئاتر امروز برای حضور تمامی جذب‌شدگان به سینما آماده شود، آنها حاضر به بازگشت به کار صحنه‌ای هستند؟

● از زبان اکثر هنرمندانی که سالهاست کار تئاتر را کنار گذاشته و در سینما فعال هستند، شنیده‌ام، همواره عاشق این هستند که باز هم به صحنه برگردند و هم در تئاتر و هم در سینما فعال باشند.

■ تواناییها چه می‌شود؟ به هر حال خود شما هم به نحوی در این چرخه هستید؟

● در مورد خود من، زیاد صدق نمی‌کند، چرا که من هیچ وقت از تئاتر کناره‌گیری نکرده‌ام. ولی در مورد تواناییها باید گفت، بله. بعد از مدتها دور بودن از يك کار، بازگشت دوباره، مستلزم مدت زمانی برای آماده شدن و فرار گرفتن در فضای کاری است.

■ تفاوت عمده بازیگری سینما و تئاتر چیست؟

● تئاتر و سینما دو مقوله مجزا از یکدیگرند. در تئاتر مدتها تمرین می‌شود، تا پختگی و شکل مناسب و مورد نظر کار به دست آید. نمایش از جایی شروع می‌شود و در يك مداوم، برای بازیگر به انتها می‌رسد. بازیگر در هر بار اجرا، برای خلاقیت فرصت بیشتر دارد. در سینما بازی مداوم ندارد. حرکتها و بازی در محدوده دوربین و لنز، متفاوت است و شکل خاص خودش را باید داشته باشد. فیلمبرداری به ترتیبی که در سناریو نوشته شده، انجام نمی‌شود. براساس مکانهای مختلف، صورت می‌گیرد. یعنی، وقایعی که در يك مکان می‌گذرد، همگی اکثراً بدون ترتیب زمانی سناریو، فیلمبرداری می‌شود. بازی در سینما در مجموع با دخالت و مسائل فنی، فیلمبرداری و مونتاژ، شکل می‌گیرد.

■ فکر می‌کنید يك بازیگر پیش از هرچیز باید به دنبال چه چیزی باشد و پایه اول کار خود را در کسب و شناخت چه چیزی بگذارد؟

● صداقت. مسئولیت و حساسیت کار بازیگری، صداقت و شناخت می‌طلبد. فرق

قلباً مایل به انجام آن نیست. وقتی هنرمند، کاری را که به آن عشق می‌ورزد، انتخاب می‌کند، قدرتمند و مؤثر عمل می‌کند.

■ به نظر شما اگر هنرمند تئاتر به ارزش و ویژگی کار زنده خودش در صحنه پی ببرد، حاضر می‌شود وسعت میدان کار خود را به سینما که با نیمی از صنعت و تکنیک غیرانسانی، شکل گرفته واگذار کند؟

● همان‌طور که گفتم، این دو هر کدام، يك هنر خاص با عملکرد فرهنگی مخصوص به خود هستند. هر کدام کاربرد و کارایی مثبت و مفید خودشان را دارند. مهم این است که در شکل درست عمل شود. يك هنرمند تئاتر، قطعاً با کار صحنه بیشتر اقتناع می‌شود. هنرمند تئاتر، در هر بار اجرای کار، احساس تغییر و تحولی حیاتی دارد. هر لحظه، پربارتر می‌شود، به‌طور زنده و رودررو با تماشاگر قرار دارد. تئاتر، مشخصه ذاتی و طبیعی خود را نسبت به سینما از همین طبیعت زنده، به ارمغان برده است.

■ به نظر شما غالب هنرمندان خوب تئاتر که هم‌اکنون جذب سینما شده‌اند، در نوع ارائه بازیهای خود چه مشترکات ویژه و قابل توجهی دارند. و آیا می‌توانیم از این روشها که اغلب هم نامشخص مانده‌اند، به عنوان شیوه‌ای در بازیگری تئاتر اسم ببریم؟

● این سؤال برایم چندان مشخص

بازی روی صحنه با بازی در زندگی، این است که ما در زندگی، بازی می‌کنیم تا حقایق را مخفی کنیم. در حالی که روی صحنه، بازی می‌کنیم تا حقایق را روشن سازیم. صداقت در کار بازیگری دور از ادا و تکبر و غرور و فریبکاری، ارتباط با تماشاگر را امکان‌پذیر می‌سازد. هر بازیگر، می‌تواند پایه اول کار خود را همراه با شروع به آموختن الفبای هنر بازیگری، تمرینات را در مناسبت با شناخت خود، چه از نظر روحی و ذهنی و چه از نظر جزء جزء اعضای (فیزیکی)، امکانات، تواناییها و ضعفهایش به کار گیرد. یعنی، ابتدا در ارتباط با خود، عمل کند تا بتواند هم طریقه راه یافتن به نقشهایی را که می‌خواهد به عهده بگیرد، بشناسد و هم توان و نیروی خود را در جهت کار بازیگری افزایش دهد.

■ باتوجه به اینکه شما سابقه تدریس و آموزش بازیگری دارید، همیشه در برخورد با افراد شیفته این هنر چه توصیه‌ای دارید؟

● بازیگری، کار مشکلی است که گاه تا حد ایشار، از خود گذشتگی می‌خواهد. شیفتگی و علاقه به تنهایی، کافی نیست. باید تحمل تمرینات سخت، دقت لازم، مطالعه و مهم‌تر از همه پشتکار و نیروی توان ارائه کار را داشت و برای انجام همه این امور، یک بازیگر باید از هر نظر در حفظ سلامت خود بکوشد تا بتواند به کارش ادامه دهد.

■ حالا که قدری راجع به اهمیت بازیگری در تئاتر صحبت شد، جایز می‌دانم سؤالی معکوس در صورت عدم حضور این عنصر تئاتر مطرح کنم. بازیگری، همواره از ارکان نمایش به حساب می‌آید. اما اگر با حضور بازیگر انسانی معنای هنر و زیبایی در نمایش شکل می‌گیرد، آیا در صورت فراهم شدن امکاناتی که بتوان نمایش را تا حد زیادی از حضور وی خالی کرد، باز هم نمایش معنی دارد؟

● شاید شکلی از نمایش، بدون حضور بازیگر، معنی پیدا کند! نمی‌دانم. مثلاً نمایش یا بازی نور و صدا یا چیزهایی از این قبیل، اما نمایش به معنای تئاتر نه. فکر نمی‌کنم.

به اعتقاد من در تئاتر، بازیگر همه چیز صحنه است (آقای صحنه است). در نمایشی با کارگردانی خوب و بازیگران

شایسته، شما می‌توانید همه عوامل کمکی و جانبی را حذف کنید. بار دکور، صدا، موزیک، افکت وسایل صحنه و فضاهای مختلف را بردوش بازیگر در شکلی خلاق با عملکرد و ارتباطی بسیار فوق‌العاده قرار دهید.

■ تطبیق بازیگر با کاراکتر یا به عبارت کاملتر «زندگی در نقش» از چه راههایی حاصل می‌شود؟

● در مورد چگونگی رسیدن به نقش، مطالب بسیاری نوشته و گفته شده که گاه این راهها در مکتبهای مختلف، بسیار متفاوت و متغیر است. خود (زندگی در نقش) تعبیرها و تفسیرهای متفاوتی را براساس سبکها و شیوه‌های گروههای بزرگ تئاتری و بزرگان تئاتر جهان در پی داشته است. به عنوان مثال استانیسلاوسکی که در ابتدا برای رسیدن به نقش، تأکید بر کار دور میز و تجزیه و تحلیل نقش داشت. بعدها تأکید بر جنبه‌های برونی و فیزیکی نقش، برای رسیدن به نقش و جنبه‌های روحی آن دارد. همین‌طور آنچه را که «برتولت برشت» در سبک خود، به عنوان بازیگری یا راه رسیدن به آن، مطرح می‌کند. یا گروتوفسکی و... بستگی دارد که شما چه اثری را با چه شیوه‌ای قرار است کار کنید.

■ در این خصوص، استفاده از فیزیک و فعالیت‌های شخص بازیگر، مدنظر قرار می‌گیرد. ولی هنگامی که به تحلیل تئوریک از نقش می‌رسیم، نتیجه متفاوت است. آیا می‌توان این دو طریق را از هم جدا کرد و در مورد هر کدام به آزمایش جداگانه دست زد؟

● من نمی‌دانم که کدام راه به تنهایی ممکن است مؤثر باشد. ولی از هر دو راه عمل شده و به نتیجه هم رسیده. بنابراین به سبک و نوع و روش آن کسی که کار می‌کند، بستگی دارد.

■ بیان، چه نقشی در این مورد دارد و آیا این مورد بخصوص، برای بازیگران ایرانی دست و پاگیر نیست؟

● بیان، یکی از ارکان مهم بازیگری است. کسی که بازیگری می‌کند، باید در جهت چگونگی استفاده از دستگاه تنفسی و اندامهای صوتی، تعلیمات لازم را دیده باشد و جزء تمرینات هرروزه هرهنرپیشه، بخصوص، هنگام تمرین و اجراست.

■ گاه دیده می‌شود که بازیگر با حالت

نرمال و طبیعی، وارد بازی صحنه می‌شود. اما به محض اینکه به بیان می‌رسد، کارش غیرطبیعی شده، افت می‌کند. به نظر شما دلیل این معضل چیست؟

● چند دلیل ممکن است داشته باشد: عدم شناخت و داشتن تکنیک لازم در مورد صدا و بیان، اشکال و یا ضعف در یکی از اندامهای صوتی و یا تنفسی، بی‌حس و حالت بودن و یا فشار بیهوده و بیش از اندازه بر روی کلمات و جملات، نداشتن تسلط کافی بر روی متن، عدم درک صحیح از مفهوم و معنی آنچه که بیان می‌کند. اشکال در نحوه نگارش و گفتگویی که در متن می‌باشد.

■ دیده می‌شود برخی از بازیگران در هیئت ظاهری کارشان حبس شده‌اند و آن قدر، طبق قراردادهای تأکیدی کارگردان عمل کرده‌اند که نتیجه کار، خشک و مصنوعی است. گاه از این واقعه ناخوشایند، برای خلاقیت بازیگر به عنوان سبک و روش نام برده می‌شود.

● این کار، اصولاً اشتباه است که کارگردان از بازیگرانش بخواهد همه چیز را عین او عمل کنند و به گونه‌ای تقلیدگر، حرکات و گفتار او باشند و چشم بسته و ناباورانه، آنچه را که او گفته، عمل کنند. رفتار با بازیگر و چگونگی راهنمایی هر بازیگر و هدایت او در جهت رسیدن به نقشش، یکی از مسائلی حساس کارگردانی است. همچنین کارگردان باید بازیگر را تا جایی که لازم می‌داند، آزاد بگذارد و اجازه خلاقیت و پیشنهاد عمل در مورد نقشش را داشته باشد. همه چیز با راهنمایی و زیرکی کارگردان در ارتباط با هنرپیشه، باید به گونه‌ای باشد که بازیگر هر حرکت و عملی را از آن خود کرده باشد و با توانایی و بدون نگرانی و با تسلط انجام دهد. باید گفت رسیدن به اجرای یک نمایشنامه، مکاشفه‌ای است که بین اثر نویسنده، کارگردان و بازیگران صورت می‌گیرد.

■ از وقتی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگزارم. ● موفق باشید.